تحلیل فرشاد مومنی از چرایی شکست سیاست‌های اقتصادی در ایران

فساد و رانت و تضعیف نهاد علم تقویت می‌شوند

رییس موسسه مطالعات دین و اقتصاد با انتقاد از نظام تصمیم‌گیری اقتصادی کشور، معتقد است محدودیت دسترسی به داده‌ها، تخصیص نامناسب منابع، گسترش مناسبات رانتی و بی‌توجهی به تولید، قدرت تشخیص سیاستگذاران را تضعیف کرده و هزینه این وضعیت را به مردم و بخش مولد اقتصاد تحمیل کرده است. اقتصاد ایران در شرایطی با فشارهای ناشی از تورم، نابرابری، محدودیت منابع و دشواری‌های تولید مواجه است که همزمان، درباره نحوه تخصیص منابع عمومی، عملکرد نظام بانکی، سیاست‌های ارزی و میزان شفافیت اطلاعات اقتصادی نیز پرسش‌های جدی مطرح می‌شود. در چنین وضعیتی، تحلیل ریشه‌های مشکلات اقتصادی تنها با بررسی شاخص‌هایی مانند تورم و نقدینگی کامل نمی‌شود؛ بلکه باید سازوکارهای تصمیم‌گیری، کیفیت اطلاعات در دسترس سیاستگذاران و جامعه و منافعی را که از سیاست‌های اقتصادی تأثیر می‌پذیرند نیز بررسی کرد. فرشاد مومنی، رییس موسسه مطالعات دین و اقتصاد، در نشستی با عنوان «جنگ روایت‌ها؛ کاوشی در سازوکارهای مهندسی اندیشه‌ها و واقعیت‌ها» بخش مهمی از مشکلات اقتصاد ایران را به ضعف قدرت تشخیص در نظام تصمیم‌گیری، پنهانکاری آماری، مناسبات رانتی و فاصله گرفتن سیاست‌گذاری از معیارهای علمی مرتبط دانست. از نگاه او، در شرایطی که جامعه بیش از هر زمان دیگری به اعتماد عمومی و مشارکت مردم نیاز دارد، تخصیص منابع باید بر اساس اولویت‌های واقعی کشور صورت بگیرد؛ اما آنچه در برخی حوزه‌ها مشاهده می‌شود، فاصله گرفتن تصمیم‌ها از نیازهای حیاتی جامعه و تولید است. مومنی معتقد است محدودشدن دسترسی به داده‌ها و کمرنگ شدن نقش نقد علمی، امکان ارزیابی مستقل سیاست‌ها را کاهش می‌دهد و زمینه را برای تداوم تصمیم‌های نادرست فراهم می‌کند. او در کنار این مساله، به نحوه تخصیص ارز، عملکرد شبکه بانکی، رشد فعالیت‌های سوداگرانه، نابرابری در دسترسی به منابع مالی، واردات کالاهای قابل تولید در داخل و سیاست‌های مرتبط با تولید و صادرات نیز می‌پردازد. در تحلیل او، مساله اصلی فقط وجود فساد یا اتخاذ چند سیاست اشتباه نیست؛ بلکه شکل‌گیری سازوکاری است که در آن، با وجود تکرار نتایج نامطلوب، اصلاح سیاست‌ها با دشواری مواجه می‌شود و هزینه تصمیم‌ها بیش از همه بر دوش تولیدکنندگان و گروه‌های کم‌درآمد قرار می‌گیرد. او برای توضیح این وضعیت، بر ضرورت آموزش تفکر انتقادی، دسترسی آزادتر به داده‌های اقتصادی و حضور نهاد علم در فرآیند تصمیم‌گیری تأکید می‌کند.



◄ جنگ روایت‌ها؛ وقتی منافع واقعیت اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند

نقطه آغاز تحلیل مومنی، مساله دستکاری واقعیت و دشواری تشخیص گزاره‌های معتبر از ادعاهای غیرمعتبر است. او معتقد است در عصر انفجار اطلاعات، صرف دسترسی به حجم زیادی از داده‌ها به معنای آگاهی بیشتر نیست؛ زیرا بدون توانایی ارزیابی اطلاعات، جامعه می‌تواند در معرض روایت‌های متعارض و گمراه‌کننده قرار بگیرد. مومنی در این باره اظهار کرد: «به صورت روزمره ما با انواع پرشماری از دستکاری‌های واقعیت در راستای منافعی که نسبتی با منافع ملی ندارد روبرو هستیم. دامن‌زدن به مباحث بنیادی که به ما کمک می‌کند قادر شویم گزاره‌های معتبر علمی را از گزاره‌های نامعتبر تفکیک بکنیم، شاید یکی از حیاتی‌ترین خدماتی است که از یک نظام توسعه‌خواه انتظار می‌رود و ما متاسفانه در کشورمان کوچک‌ترین ردی از این نوع مسوولیت‌شناسی‌ها نمی‌بینیم.» از نگاه این اقتصاددان، مساله زمانی جدی‌تر می‌شود که روایت‌های اقتصادی به جای آنکه بر داده‌های قابل بررسی و استدلال علمی تکیه کنند، در خدمت منافع گروه‌های خاص قرار بگیرند. در چنین وضعیتی، تشخیص اینکه یک سیاست در خدمت منافع ملی است یا منافع محدود، دشوارتر می‌شود و امکان نقد تصمیم‌ها نیز کاهش می‌یابد. او با اشاره به ضرورت تقویت نهاد علم، معتقد است یکی از مسوولیت‌های مهم دولت، جامعه مدنی و نهادهای تخصصی در عصر انفجار اطلاعات، فراهم کردن امکان دسترسی مردم به اطلاعات مناسب و افزایش توانایی آنها برای تشخیص واقعیت از اطلاعات نادرست است. در غیر این صورت، منازعاتی که ظاهرا درباره مسائل اقتصادی شکل می‌گیرند، ممکن است در عمل به پوششی برای منافع گروه‌های داخلی یا قدرت‌های بیرونی تبدیل شوند.

◄ ضعف قدرت تشخیص در تخصیص منابع

مومنی یکی از کانون‌های تشدید بحران در اقتصاد ایران را ضعف قدرت تشخیص در نظام تصمیم‌گیری و تخصیص منابع می‌داند؛ مساله‌ای که به باور او، در اولویت‌بندی نیازهای کشور نیز خود را نشان می‌دهد. او در این زمینه گفت: «یکی از کانون‌های تشدید بحران در حیطه اقتصاد ایران این است که با ادله و قواعد پرشماری می‌توان نشان داد که نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی اقتصادی ما و نظام تخصیص منابع ما، از نظر قدرت تشخیص، عدم بلوغ در حد فاجعه‌آمیز دارد.» به اعتقاد این اقتصاددان، اهمیت این مساله در شرایطی که کشور با محدودیت منابع مواجه است، بیشتر می‌شود. در چنین وضعیتی، باید منابع ارزی و مالی بر اساس میزان اهمیت نیازها و آثار اقتصادی و اجتماعی آنها تخصیص پیدا کنند. با این حال، او معتقد است در برخی موارد، اولویت به نیازهایی داده می‌شود که از نظر توسعه‌ای اهمیت کمتری دارند، در حالی که تأمین ارز برای غذا، دارو و مواد اولیه تولید با محدودیت مواجه است. مومنی با اشاره به این تناقض اظهار کرد: «در شرایطی که برای تامین ارز مورد نیاز برای غذای مردم، داروی مردم و مواد اولیه تولید می‌گویند نداریم، اما بخش مهمی از منابع ارزی صرف واردات کالاهای قابل تولید در کشور می‌شود.» از نگاه او، این نوع تخصیص منابع فقط به معنای از دست رفتن فرصت‌های اقتصادی نیست؛ بلکه می‌تواند فرصت‌های شغلی ایجادشده در داخل کشور را نیز به اقتصادهای دیگر منتقل کند. به این ترتیب، منابعی که می‌توانند در خدمت تولید داخلی و اشتغال نیروی انسانی متخصص قرار بگیرند، صرف وارداتی می‌شوند که امکان تولید آنها در کشور وجود دارد. او معتقد است در شرایط محدودیت منابع، معیار تصمیم‌گیری باید میزان اثرگذاری هر انتخاب بر منافع ملی، تولید و نیازهای حیاتی جامعه باشد. در غیر این صورت، ترکیب ضعف کارشناسی و منافع خاص می‌تواند به تداوم تصمیم‌هایی منجر شود که نتیجه آنها با اهداف اعلام‌شده سیاست‌گذاری فاصله دارد.

◄ نهاد علم و ضرورت دسترسی به داده‌های اقتصادی

از محورهای اصلی انتقاد مومنی، محدودیت دسترسی به اطلاعات و داده‌های اقتصادی است. او معتقد است نمی‌توان از دانشگاهیان و کارشناسان انتظار تحلیل علمی و ارایه راه‌حل داشت، اما اطلاعات لازم برای بررسی مسائل کشور را در اختیار آنها قرار نداد. در نگاه او، داده‌های اقتصادی صرفا ابزار تهیه گزارش نیستند؛ بلکه یکی از پیش‌شرط‌های تشخیص درست مسائل و ارزیابی نتایج سیاست‌ها به شمار می‌روند. هنگامی که اطلاعات مربوط به فقر، نابرابری یا عملکرد سیاست‌های اقتصادی منتشر نمی‌شود، امکان سنجش دقیق آثار تصمیم‌ها کاهش می‌یابد و سیاستگذار نیز با محدودیت بیشتری برای اصلاح مسیر مواجه می‌شود. مومنی با اشاره به محدودیت انتشار برخی داده‌های مربوط به فقر گفت: «شما دیدید که چند هفته پیش سخنگوی دولت گفت ما منع امنیتی داریم که درباره داده‌های مربوط به فقر در سال ۱۴۰۴ صحبت کنیم.» او در ادامه تأکید کرد: «اگر کارنامه سیاست حذف ارز ترجیحی، جهش‌های پرشمار نرخ ارز و خصوصی‌سازی‌های غارتی و نابرابرساز، آنقدر فقر آفریده که شما از ذکر عدد و رقم شرمنده‌اید، خوب شرمندگی درباره آن سیاست‌هایی که این سرنوشت را به ما تحمیل کرد، حیاتی‌تر است.» از نظر او، پنهان ماندن آمارهای اقتصادی مانع از آن می‌شود که جامعه و نهادهای تخصصی بتوانند درباره نتایج سیاست‌ها قضاوت کنند. بدون اطلاعات شفاف، مشخص نیست کدام سیاست‌ها به بهبود شرایط منجر شده‌اند و کدام تصمیم‌ها هزینه‌های بیشتری برای مردم و تولیدکنندگان ایجاد کرده‌اند. مومنی همچنین با اشاره به اهمیت مساله و نقد در شکل‌گیری علم، تأکید کرد که محدود کردن دسترسی دانشگاهیان به داده‌ها، ظرفیت علمی کشور را تضعیف می‌کند. به باور او، دانشگاه نمی‌تواند صرف با انتقال دانش موجود، بدون امکان بررسی مسائل واقعی جامعه و نقد سیاست‌های جاری، نقش موثری در حل مشکلات اقتصادی ایفا کند.

◄ رانت و نابرابری در دسترسی به منابع بانکی

بخش مهم دیگری از تحلیل مومنی به عملکرد نظام بانکی و نابرابری در دسترسی به منابع مالی مربوط است. او معتقد است در شرایطی که دریافت تسهیلات کوچک برای بسیاری از مردم مستلزم ارائه مدارک و معرفی ضامن است، برخی اشخاص حقیقی و حقوقی خاص به منابع مالی بسیار بزرگ دسترسی پیدا می‌کنند. مومنی با انتقاد از این وضعیت اظهار کرد که در نظام پولی کشور، میان شرایط دسترسی مردم عادی به اعتبار و نحوه تأمین مالی برخی مجموعه‌های بزرگ تفاوت‌های قابل توجهی وجود دارد. او با استناد به گزارشی از مرکز پژوهش‌های مجلس که پیش‌تر به آن اشاره کرده، از پرداخت وام‌های چند هزار میلیارد تومانی بدون وثیقه و با نرخ بهره صفر به برخی افراد و مجموعه‌ها سخن گفت. او همچنین با اشاره به گزارش‌هایی درباره دسترسی مردم به تسهیلات بانکی، اظهار کرد: «گزارش‌های رسمی می‌گوید ۵۰ درصد کل جمعیت ایران در تمام طول عمرشان حتی یک بار هم موفق نمی‌شوند تسهیلات یا اعتباری، ولو بسیار اندک از سیستم بانکی دریافت کنند.» از نگاه مومنی، این وضعیت نشان می‌دهد که مساله نقدینگی را نمی‌توان صرفا با توجه به حجم کل آن تحلیل کرد؛ بلکه توزیع منابع میان گروه‌های اقتصادی نیز اهمیت تعیین‌کننده‌ای دارد. اگر منابع بانکی به‌طور نامتناسب در اختیار گروه محدودی قرار بگیرند، ممکن است بخش بزرگی از جامعه و بنگاه‌های کوچک از امکان دسترسی به اعتبار محروم بمانند. او در این باره گفت: «تمام احکام تئوری‌های اقتصادی درباره نقدینگی منوط به این است که توزیع نقدینگی میان بازیگران اقتصادی متناسب باشد.» مومنی با اشاره به تمرکز سپرده‌های بلندمدت در میان شمار محدودی از سپرده‌گذاران، این وضعیت را نمونه‌ای از نابرابری در توزیع منابع مالی دانست و معتقد است چنین تمرکزی می‌تواند آثار نامطلوبی بر تولید، رقابت اقتصادی و توزیع فرصت‌ها داشته باشد.

◄ نقدینگی به کدام سمت می‌رود؟

در تحلیل مومنی، مساله نقدینگی با عملکرد بانک‌ها و گسترش فعالیت‌های سوداگرانه پیوند دارد. او معتقد است در سال‌های گذشته، به‌ویژه پس از شکل‌گیری بانک‌های خصوصی، بخش مهمی از منابع مالی به سمت سوداگری در بازارهایی مانند ارز، سکه، زمین و مسکن حرکت کرده است؛ در حالی که تأمین مالی تولید با محدودیت روبرو بوده است. او با اشاره به آثار پژوهش‌های اقتصادی در این زمینه گفت: «از وقتی بانک‌های خصوصی شکل گرفتند، سوداگری روی حیاتی‌ترین نیازهای انسان و کشور به اوج رسید و کشور را تا مرز فروپاشی پیش برد.» به اعتقاد این اقتصاددان، گسترش فعالیت‌های سوداگرانه در کنار هزینه بالای تأمین مالی، فشار مضاعفی بر تولیدکنندگان وارد می‌کند. بنگاهی که برای ادامه فعالیت خود به سرمایه در گردش و اعتبار نیاز دارد، در صورت مواجهه با هزینه بالای تسهیلات و محدودیت دسترسی به منابع بانکی، توان کمتری برای سرمایه‌گذاری، افزایش تولید و رقابت خواهد داشت. مومنی همچنین از عملکرد بانک‌ها در بازار دارایی‌ها انتقاد کرد و با اشاره به صورت‌های مالی منتشرشده در بورس، مدعی شد که بخش عمده‌ای از سودآوری برخی بانک‌ها به جای عملیات متعارف بانکداری، به فعالیت در بازار طلا و ارز وابسته است. او در این باره اظهار کرد: «وقتی سیاست‌گذار خودش این کاره شد، دیگر توان و اراده کنترل بانک‌های خصوصی را ندارد و صورت‌های مالی بانک‌ها در بورس نشان می‌دهد بخش عمده سودآوری آنها هیچ ربطی به عملیات بانکداری ندارد، بلکه متکی بر سوداگری روی طلا و ارز است.» این انتقاد، مساله تعارض میان نقش سیاستگذار و فعالیت‌های سوداگرانه را در مرکز توجه قرار می‌دهد. از نگاه مومنی، هنگامی که معیار موفقیت یک نهاد پولی یا بانکی از انجام وظایف اصلی آن فاصله بگیرد، احتمال تضعیف نظارت و تداوم رفتارهایی که با اهداف کنترل تورم و تثبیت ارزش پول ملی سازگار نیستند، افزایش می‌یابد.

◄ وقتی قیمت جای کیفیت و ارزش آفرینی را می‌گیرد

مومنی در بخش دیگری از سخنان خود، به رابطه میان سیاست‌های اقتصادی، تولید و مفهوم مزیت رقابتی پرداخت. او معتقد است تمرکز بیش از اندازه بر قیمت، بدون توجه به کیفیت تولید و آثار اجتماعی و زیست‌محیطی فعالیت‌های اقتصادی، می‌تواند زمینه را برای تداوم فعالیت‌های غیرمولد و رانتی فراهم کند. او با اشاره به دیدگاه ماریانا مازوکاتو در کتاب «ارزش همه‌چیز»، گفت که در برخی رویکردهای اقتصادی، تمایز میان فعالیت‌های مولد و غیرمولد به حاشیه رفته و تمرکز بر قیمت، جای توجه به ارزش‌آفرینی واقعی را گرفته است. از نگاه او، صرف پایین بودن قیمت یک محصول یا برخورداری از مزیت قیمتی در صادرات، لزوماً به معنای رقابت‌پذیری پایدار نیست. اگر این مزیت از مسیر کاهش حقوق کارگران، نادیده گرفتن هزینه‌های زیست‌محیطی یا تخریب منابع عمومی به دست آمده باشد، نمی‌توان آن را نشانه موفقیت توسعه‌ای دانست. مومنی در این زمینه گفت: «به اسم مزیت رقابتی مبتنی بر قیمت، اینها «فقر فروشی»، «محیط‌زیست فروشی» و «آینده‌فروشی» می‌کنند و از این وضعیت شادمان هم هستند.» او با تأکید بر اهمیت کیفیت و بهره‌وری، معتقد است سیاست‌های اقتصادی باید به جای تقویت مزیت‌های کوتاه‌مدت و متکی بر استثمار منابع انسانی و طبیعی، زمینه ارتقای توانمندی‌های فناورانه و ظرفیت تولیدی کشور را فراهم کنند. این رویکرد، از نظر او، به مساله تخصیص منابع نیز مرتبط است. اگر سیاستگذاری صرفا بر قیمت‌های جاری و منافع کوتاه‌مدت متمرکز شود، ممکن است فعالیت‌هایی که ارزش افزوده پایدار ایجاد می‌کنند، در رقابت با فعالیت‌های سوداگرانه یا برخوردار از امتیازات ویژه، تضعیف شوند.

◄ واردات و مونتاژ کاری؛ مساله وابستگی تولید

یکی دیگر از محورهای انتقاد مومنی، وابستگی تولید داخلی به واردات و گسترش فعالیت‌هایی است که به اعتقاد او، به جای ارتقای ظرفیت صنعتی کشور، به مونتاژکاری محدود شده‌اند. او با اشاره به افزایش سهم کالاهای واسطه‌ای در واردات طی دو تا سه سال اخیر، گفت این روند در نگاه نخست ممکن است نشانه افزایش فعالیت تولیدی تلقی شود؛ اما از نظر او، باید میان واردات نهاده‌هایی که ظرفیت تولید داخلی را تقویت می‌کنند و واردات قطعاتی که صرفا برای مونتاژ محصولات به کار می‌روند، تفاوت قائل شد. مومنی با استناد به گزارش‌های پایش محیط کسب‌وکار، مدعی شد استفاده از ظرفیت‌های تولیدی به پایین‌ترین میزان در دهه‌های اخیر رسیده است و بخش مهمی از کالاهای وارداتی موسوم به واسطه‌ای، قطعات منفصله برای فعالیت‌های مونتاژی هستند. او در این باره گفت: «تناقض اینجاست که آنچه به اسم کالای واسطه‌ای وارد می‌شود، عمدتا قطعات منفصله (CKD) برای مونتاژکاری‌ها است؛ یعنی صنعت کشور را به چند دهه عقب برگردانده‌اند و به سرهم‌بندی تقلیل داده‌اند.» از نگاه او، اگر افزایش واردات به تقویت فناوری داخلی، افزایش بهره‌وری و گسترش ظرفیت تولید منجر نشود، نمی‌توان آن را به‌تنهایی نشانه بهبود وضعیت صنعت دانست. در چنین شرایطی، وابستگی به واردات می‌تواند در کنار محدودیت منابع ارزی، آسیب‌پذیری اقتصاد را نیز افزایش بدهد.

◄ فساد و رانت
چرا سیاست‌های ناموفق تکرار می‌شوند؟

یکی از پرسش‌های محوری در تحلیل مومنی این است که چرا برخی سیاست‌های اقتصادی، با وجود تکرار نتایج نامطلوب، همچنان ادامه پیدا می‌کنند. او معتقد است در یک نظام تصمیم‌گیری کارآمد، اگر سیاستی پس از اجرا به نتیجه معکوس برسد، باید مورد بازنگری قرار گیرد؛ اما در شرایطی که منافع گروه‌های خاص در میان باشد، ممکن است اصلاح سیاست‌ها با مقاومت روبرو شود. مومنی در این زمینه اظهار کرد: «در علم اقتصاد قاعده این است که اگر سیاستی پس از اجرا نتیجه معکوس داد، باید متوقف شود؛ اما اینجا سیاستی را ۱۰۰ بار آزموده‌اند و شکست خورده، با این حال بر تداوم آن اصرار دارند.» او همچنین با انتقاد از تمرکز بر اختلافات لفظی درباره اینکه فساد را باید «سیستمیک» نامید یا نه، تأکید کرد که اصل وجود فساد و ضرورت مقابله با آن باید مبنای اقدام قرار گیرد. به اعتقاد او، برنامه‌ریزی اقتصادی بر مبنای فرض نبود فساد، بدون توجه به واقعیت‌های تخصیص منابع و ضعف شفافیت، می‌تواند اثربخشی سیاست‌ها را کاهش دهد. در چنین شرایطی، حتی منابعی که با هدف مشخصی اختصاص داده می‌شوند، ممکن است در عمل به مسیری متفاوت هدایت شوند. مومنی معتقد است برای مقابله با این وضعیت، باید امکان نظارت عمومی و تخصصی بر تصمیم‌ها افزایش یابد و نهادهای علمی بتوانند با دسترسی به اطلاعات، آثار سیاست‌ها را بررسی کنند. از نظر او، شفافیت و نقد علمی نه حاشیه سیاست‌گذاری، بلکه بخشی از سازوکار اصلاح آن است.

◄ جمع‌بندی؛ بازگشت به علم شفافیت و منافع عمومی

تحلیل فرشاد مومنی از اقتصاد ایران بر این فرض استوار است که مشکلات اقتصادی کشور را نمی‌توان تنها با بررسی متغیرهایی مانند تورم، نقدینگی یا نرخ ارز توضیح داد. از نگاه او، کیفیت تصمیم‌گیری، نحوه تخصیص منابع، عملکرد شبکه بانکی، میزان شفافیت و امکان نقد سیاست‌ها نیز در شکل‌گیری و تداوم مشکلات نقش دارند. مومنی با طرح انتقادهایی درباره توزیع منابع بانکی، گسترش فعالیت‌های سوداگرانه، تخصیص ارز، وابستگی وارداتی و محدودیت انتشار داده‌های اقتصادی، معتقد است در برخی حوزه‌ها فاصله میان اهداف اعلام‌شده سیاست‌گذاری و نتایج عملی آن افزایش یافته است. او این فاصله را به ضعف قدرت تشخیص و غلبه مناسبات رانتی مرتبط می‌داند؛ وضعیتی که به باور او، هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی را به مردم و تولیدکنندگان منتقل می‌کند. در این چارچوب، مقابله با فساد صرفاً به برخورد با تخلفات محدود نمی‌شود. اصلاح سازوکارهای تخصیص منابع، افزایش شفافیت، دسترسی کارشناسان به داده‌های قابل اتکا، تقویت نظارت بر شبکه بانکی و بازنگری سیاست‌هایی که به نتایج نامطلوب منجر شده‌اند، از جمله محورهایی است که در تحلیل او اهمیت پیدا می‌کنند. در کنار این موارد، تأکید مومنی بر تمایز میان فعالیت مولد و غیرمولد، به ضرورت بازتعریف معیارهای موفقیت اقتصادی اشاره دارد. رشد قیمت دارایی‌ها، افزایش واردات یا سودآوری بنگاه‌ها به‌تنهایی نمی‌تواند نشان دهد که اقتصاد در مسیر توسعه قرار گرفته است؛ بلکه باید مشخص شود این روندها تا چه اندازه به افزایش ظرفیت تولید، ارتقای کیفیت، ایجاد اشتغال و بهبود زندگی عمومی منجر شده‌اند. در نهایت، پیام اصلی این تحلیل آن است که اصلاح اقتصاد ایران، علاوه بر سیاست‌های پولی و مالی، به اصلاح فرآیند تصمیم‌گیری نیز نیاز دارد. بدون شفافیت اطلاعات، امکان ارزیابی مستقل سیاست‌ها و حضور موثر نهاد علم در نقد تصمیم‌ها، خطر تداوم سیاست‌های ناکارآمد و تقویت منافع محدود همچنان وجود خواهد داشت. از نگاه مومنی، بازگرداندن منافع عمومی به مرکز تصمیم‌گیری اقتصادی، مستلزم آن است که دانش، نقد و داده‌های قابل اتکا جایگاه واقعی خود را در سیاست‌گذاری پیدا کنند و تخصیص منابع بر اساس نیازهای تولیدی و اجتماعی کشور صورت گیرد.

مسعود پزشکیان، رییس جمهور:

از میز مذاکره کنار نخواهیم کشید

رییس جمهور در دیدار با ولادیمیر پوتین، ضمن تأکید بر تداوم گسترش روابط تهران و مسکو، تصریح کرد که ایران از میز مذاکره کنار نخواهد کشید و پیشنهادهای تبادل شده از طریق رابطین با طرف امریکایی پس از نهایی شدن، جمع‌بندی می‌شود. دکتر مسعود پزشکیان، در حاشیه اجلاس سران کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و اجلاس محیط‌زیستی دریای خزر در ترکمنستان، با ولادیمیر پوتین، رییس جمهور روسیه، دیدار و گفت‌وگو کرد. رییس جمهور در این دیدار با ابراز خرسندی از تعاملات در حال شکل‌گیری، بر گسترش روابط دوجانبه در زمینه‌های تجاری، اقتصادی و انسانی، پایبندی به برنامه راهبردی مشترک، مخالفت با یک‌جانبه‌گرایی و ضرورت حرکت جهان و منطقه به سمت چندجانبه‌گرایی تأکید کرد. پزشکیان در این دیدار اظهار داشت: از تعاملاتی که در حال شکل گرفتن است، واقعا خوشحال هستم. همان گونه که اشاره کردید، روابط‌مان در بیشتر زمینه‌ها در حال گسترش است. این روند از منظر ارتباطات تجاری، اقتصادی و انسانی رو به پیشرفت است.

رییس جمهور با اشاره به عزم و اراده جمهوری اسلامی ایران برای گسترش این روابط، که در چارچوب سیاست‌های برنامه راهبردی مشترک به توافق رسیده است، تصریح کرد: این روابط و برنامه‌ها می‌تواند ما را در بیشتر حوزه‌ها به غلبه و پیروزی برساند. وی ابراز امیدواری کرد: ارتباطات و تعاملاتی که میان تهران و مسکو شکل گرفته است با سرعت و قدرت پیش برود. هماهنگی‌هایی که تاکنون صورت گرفته است، خوب بوده و اکنون بهترین فرصت برای تعمیق و گسترش تعاملات است. رییس جمهور با اشاره به روند یک‌جانبه‌گرایی امریکا گفت: همان گونه که شما نیز با یک‌جانبه‌گرایی مخالفت کرده‌اید، باید دنیا و منطقه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم به سمت چندجانبه‌گرایی برود و نباید بپذیریم که یک‌جانبه‌گرایی در دنیا گسترش یابد. امریکا تلاش می‌کند سیاست‌ها و نظرات خود را بر تمام کشورها تحمیل کند و غلبه یابد. اکنون نیز سیاست‌هایی که درون امریکاست، به کشورهای دیگر دیکته می‌کند. پزشکیان با تقدیر از موضع‌گیری‌های مسکو افزود: در سخنرانی‌ها و موضع‌گیری‌هایی که داشته‌اید، همواره مخالف یک‌جانبه‌گرایی بوده‌اید؛ ما هم تلاش می‌کنیم این روند را پیش ببریم. رییس جمهور با اشاره به تداوم دیپلماسی گفت: در حال گفت‌وگو هستیم، اما هر بار که با امریکا گفت‌وگو می‌کنیم، دوباره حمله می‌کنند، ولی ما از میز مذاکره و گفت‌وگو کنار نخواهیم کشید. پیشنهادهایی داده بودیم و امریکایی‌ها نیز پیشنهادات جدیدی داده بودند. بر روی این پیشنهادها اصلاحات خود را انجام داده‌ایم. قرار است پس از نهایی شدن، از طریق رابطینی که وجود دارند بنشینیم و آنها را جمع‌بندی کنیم. پزشکیان با قدردانی از مواضع روسیه تصریح کرد: از مواضع شما، چه در رابطه با منطقه و سازمان ملل و کمک‌هایی که کرده‌اید و اجازه نداده‌اید این یک‌جانبه‌گرایی خود را نشان دهد، قدردان هستیم. تلاش ما بر این است تا جنگ تمام شود و حق و حقوق ملت ایران در چارچوب قوانین بین‌المللی مراعات شود؛ اما اگر امریکا بخواهد با یک‌جانبه‌گرایی پیش برود، امکان‌پذیر نخواهد بود.

رییس جمهور با تأکید بر ضرورت تقویت انسجام و همکاری میان کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای و گروه بریکس تصریح کرد: هدف از شکل‌گیری این اجلاس‌ها، دستیابی به چارچوب‌های مشترک اجرایی در حوزه‌های مالی، اقتصادی، تجاری، امنیتی و سیاسی است و تأثیرپذیری تصمیمات این سازمان‌ها از سیاست‌های داخلی امریکا می‌تواند قدرت و انسجام آنها را تضعیف کند. مسعود پزشکیان در دیدار با دبیرکل سازمان همکاری‌های شانگهای در حاشیه اجلاس سران کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و اجلاس محیط‌زیستی دریای خزر در ترکمنستان، با اشاره به دستاوردهای گسترش تعاملات و ارتباطات چندجانبه اظهار داشت: هرچه این تعاملات و دیدارها افزایش یابد و تقویت شود، سیاست‌ها و راهبردهای چندجانبه بیشتری را می‌توانیم عملیاتی کنیم. رییس جمهور برگزاری اجلاس سازمان همکاری‌های شانگهای را خوب و موثر برشمرد و با تأکید بر اینکه در حوزه عمل و اجرا نیز ضرورت دارد طرح‌ها عملیاتی شوند، خاطرنشان کرد: در بسیاری از مواقع در گفت‌وگوها مسائلی مطرح می‌شود، اما در حوزه اجرا این تعهدات به فراموشی سپرده می‌شوند. اصولا باید تلاش کنیم تصمیم‌ها و گفت‌وگوها نتیجه‌بخش باشند. طبیعتا زمانی که روسای کشورهای عضو سازمان همکاری‌های شانگهای در کنار یکدیگر تصمیمی اتخاذ کنند که در روند شکوفایی موثر باشد و در میان کشورها و زیرمجموعه‌ها همکاری و تعامل جاری شود، آن وقت می‌توانیم به اهداف و چشم‌اندازهایی که در نظر داشته‌ایم، رسیده باشیم. پزشکیان دستیابی به زبان و فهم مشترک و اجرای این شاخص‌های رفتاری را میان تمام گروه‌های انسانی و جوامع، پیش‌نیاز اساسی ایجاد تحول و رشد در کره زمین نامید و گفت: در این شرایط است که شاهد برقراری محبت، دوستی، همدلی، مهربانی، توسعه و چشم‌اندازی زیبا خواهیم بود. شما به عنوان دبیرکل سازمان همکاری‌های شانگهای وظیفه سنگینی بر عهده دارید، زیرا هماهنگ‌کننده پیگیری اجرای تصمیم‌ها هستید

امیدوارم در پیشبرد اهداف و سیاست‌های اجرایی موفق باشید. رییس جمهور با اشاره به مداخلات امریکا که بر مبنای سیاست داخلی این کشور اعمال می‌شود، افزود: گاه برخی از این راهبردها بر موضع‌گیری سازمان همکاری شانگهای نیز اثرگذار است. تمام هدف برگزاری اجلاس‌هایی همچون شانگهای یا بریکس این است که کشورهایی که با یکدیگر توافق می‌رسند و تفاهم می‌کنند، بتوانند در زمینه‌های مالی، اقتصادی، تجاری، امنیتی و سیاسی با یکدیگر به چارچوب مشترک اجرایی دست یابند. چنانچه قرار باشد سیاست‌های داخلی کشوری مانند امریکا بر تصمیمات این اجلاس‌ها اثرگذار باشد، این سازمان‌ها قدرت و انسجام خود را از دست خواهند داد. پزشکیان با اشاره به اینکه دنیا باید به سمت چندجانبه‌گرایی هدایت شود، خاطرنشان کرد: اکنون اختلاف میان پذیرش یک‌جانبه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی است. این یکی از مسائلی است که جمهوری اسلامی ایران در تمام اجلاس‌ها با آن مواجه است. البته اکنون برخی از این مسائل به تدریج در حال برطرف شدن است، اما همچنان برخی کشورها تمایل به رویکردهای یک‌جانبه‌گرایانه و تبعیت از سیاست‌های زورمدارانه و استعمارگرایانه امریکا دارند. چرا نتوانیم با همسایه خود روابط را تقویت و گسترش بدهیم و همسایه ما از سیاست‌های کشور دیگری در آن سوی جهان تبعیت کند؟ این مشکلی است که وجود دارد. طبیعتا در برخی توافقات سازمان همکاری‌های شانگهای در رابطه با ایران، اولویت با این است که امریکا چه نظری در رابطه با تصمیم‌ها دارد.

رییس جمهور با تأکید بر ضرورت پرهیز از اختلاف و دعوا، گفت‌وگو را راه‌حل اساسی مسائل و رسیدن به نگاه مشترک برشمرد و گفت: روند عبور از وحشی‌گری به سمت تمدن و احترام به انسانیت زمان‌بر است. مسائلی را که می‌توان با گفت‌وگو به آن دست یافت، نمی‌توان با زورگویی و قلدری حاصل کرد. ما انسان‌ها باید به یکدیگر کمک کنیم تا تمامی بشر در رفاه، توسعه، آسایش و سلامتی زندگی کنند. نباید چشم طمع به دارایی و امکانات کشورهای دیگر داشت و به فکر غارت و تجاوز به آنها بود. امیدوارم روزی برسد که در این کره خاکی در صلح و آرامش در کنار یکدیگر زندگی کنیم. امریکا در حال قلدری است و کشورها باید با یکدیگر همکاری کنند که این اجازه را به او ندهند. البته جمهوری اسلامی ایران نیز با اقتدار بر اصول خود ایستاده است. از تلاش‌های شما نیز تشکر می‌کنیم که در مسیر برقراری صلح و آرامش قرار دارید.



◄ همه حق دارند که به صورت صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای بهره‌مند شوند

دبیرکل سازمان همکاری‌های شانگهای نیز با تأیید سخنان پزشکیان خاطرنشان کرد: در این راستا با شما هم‌عقیده و هم‌نظر هستیم و این سازمان محلی است که صحبت‌های روسای کشورها و دولت‌ها در آن به منصه ظهور و عمل خواهد رسید. وی با اشاره به سوابق کاری خود در سازمان همکاری‌های شانگهای ادامه داد: اینجانب دو سال معاون دبیرکل و حدودا دو سال نیز به عنوان دبیرکل در حال فعالیت هستم. می‌توانم بگویم تاکنون نتایج ملموس و موثری داشته‌ایم. طی ۲۵ سال فعالیت سازمان همکاری‌های شانگهای، دستورها و توافق‌هایی که روسای جمهور کشورهای عضو این سازمان متعهد شده‌اند و روی کاغذ قرار داشته‌اند را عملی کرده‌ایم. البته برخی از اظهارات و پیشنهادها که قالب ملموس و چارچوب واقعی ندارند، طبیعتاً قابلیت اجرا نخواهند داشت. برای دستیابی به نتایج این پیشنهادها ضرورت دارد هماهنگ‌کننده‌های ویژه هر کشور پیگیر مسائل و راهبردهای پیشنهادی باشند. روندی در سازمان همکاری‌های شانگهای وجود دارد که اگر اجماع ایجاد نشود، آن پیشنهادها قابلیت اجرا نخواهند یافت. البته این ضرورت دارد که پیشنهادهایی که رییس جمهور یک کشور مطرح می‌کند، به عرصه ظهور برسد. دبیرکل سازمان همکاری‌های شانگهای با تأیید سخنان دکتر پزشکیان مبنی بر نفی یک‌جانبه‌گرایی و با اظهار تأسف از اینکه برخی از کشورها روابط کاری خود را بر یک‌جانبه‌گرایی ترجیح می‌دهند، یادآور شد: متأسفانه برخی از کشورهای عضو سازمان همکاری‌های شانگهای روابط دوجانبه خود را به روابط کاری با کل کشورها ترجیح می‌دهند و به عبارت دیگر ارزش بسیار زیادی برای این روابط در مقایسه با سایر کشورها قائل هستند. برای همین برخی از تصمیم‌ها با مجموعه سیاست‌های سازمان ممکن است تطابق نداشته باشد. دبیرکل سازمان همکاری‌های شانگهای در پایان با بیان اینکه باید توافقاتی که در رابطه با ایران انجام شده است، اما به آن عمل نشده، فهرست شود تا به آنها از طریق سفرا و نمایندگان رسیدگی شود، گفت: همه تلاش می‌کنیم تا به موضوع صلح و آرامش دست یابیم و ماهیت وجود سازمان همکاری‌های شانگهای مبتنی بر این اصل است. عدم توسل به زور و احترام به تمامیت ارضی کشورها مهم است و باید در عمل به آن پایبند بود. همه حق دارند که به صورت صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای بهره‌مند شوند و بر اصل عدم توسعه و اشاعه سلاح‌های هسته‌ای پایبند باشند.